

«اخراج نسلی از روشنفکران»

آندری زولوتف جونیور

مترجم: سید رضا وسمه‌گر^۱

چکیده (مقدمه مترجم)

گنجینه فرهنگی - تمدنی هر ملتی در عصر حاضر علاوه بر نمایش شیوه زندگی و سطح رفاه آن جامعه در داخل، بیانگر میزان مشارکت و تأثیرگذاری تولیدات ذهنی و عینی فرزندان آن ملت در گنجینه جهانی است. اما حال چه می‌شود که در کشورهایی که تحت تسلط رژیم‌های توتالیتر و اقتدارطلب قرار می‌گیرند، همان نخبگان و زیدگان رشته‌های گوناگون، که الزاماً افکاری صد در صد سازگار با منویات گروه حکمران ندارند، در حالی که با بهره‌گیری از امکانات ملت و استعداد ملی مردم خود رشد و ترقی کرده‌اند، بدلائل گوناگون یا از بین رفته و یا در بهترین حالت تبعید می‌شوند و فرآورده‌های فکری یا تکنولوژیک خود را برای کشوری دیگر به ارمغان می‌برند؟ نیکلای بردیایف، مشهورترین فیلسوف روس در مغرب زمین که از سطح تفکری - تحلیلی بسیار والایی در زمینه‌های فلسفی و اجتماعی برخوردار بود، یکی از قربانیان رژیم اقتدارگرایی لنینیستی است. رژیمی که تحمل افکار متألپانه او را در دوران حکومت اندیشه‌های ضد دینی نداشت و با تبعید او و بسیاری دیگر از متفکران روس به اروپای غربی از غنای گنجینه فرهنگی ملت خود کاسته و فقط به یمن امکان تفکر آزادتر در کشوری چون فرانسه، طرز تفکری نوین و مکتبی بدیع را به این کشور عرضه داشت. یادمان باشد که همیشه بهانه‌هایی برای انگ خیانت‌زدن به دگراندیشان وجود دارد.

واژگان کلیدی: نیکلای بردیایف، روسیه، حکومت لنینیستی، روشنفکران.

Expulsion a generation of Intellectuals

Andrey Zolotov, Jr.
Seyyed Reza Vasmegar²

Abstract

The cultural treasure of any nation, in our times, indicates the life style and the rate of welfare in the country. It also shows us the rate of participation and the influence of the subjective and objective achievements accomplishing by that nation in the world treasure. There are many elites, in some totalitarian societies, who have some different views. The seviews are unacceptable for the totalitarian rulers. Therefore the thinkers will be sent off and exiled and so give their intellectual and technologic achievements to foreign nations as a souvenir. The most famous Russian philosopher in the western countries, Nicolay Berdyayev was in a high rate of analytic reflection. In spite of this fact, he was a victim of the Leninist regime what couldn't to tolerate his theological thoughts. He was exiled and carried with himself an innovative philosophical school, for example, for the French people. This is an unavoidable consequence of any totalitarian state.

Keywords: Nicolay Berdyayev, Russia, Leninist Regime, The Intellectuals.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. MA Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University
E-Mail; rezavasmegar@yahoo.com

معرفی کوتاهی از نیکلای بردیایف

نیکلاس الکساندروویچ بردیایف یکی از بزرگترین فیلسوفان روس است که متاسفانه در کشور ما ناشناخته مانده است. حال آنکه به دو اعتبار، اندیشمندی قابل استناد است: تفکرات او در کنار بزرگانی چون گابریل مارسل، ژاک مارتین و سایر، از نمایندگان بازگشت به بنیادهای دینی در تمدن غربی، البته با حفظ عقبهٔ مدرنیستی است. مسیحیت مدنظر این فیلسوف اگزیستانسیالیست، تفاوت‌هایی گسترده با روایت سنتی از مسیحیت دارد و در آن تأکیدی فوق‌العاده بر نقش آزادی و خلاقیت قابل تشخیص است. اما وجه دوم و خلاقانه‌تر و درخشان‌تر اندیشه بردیایف را می‌باید در تبیین‌های تاریخی او از سیر تمدن غرب، مسایل متنوع زمان‌هاش و به خصوص تبیین فوق‌العاده درخشان او از انقلاب اکتبر روسیه و سنت روسی منتهی بدان دانست. بردیایف که در سال ۱۸۷۴ در ایالت کیف متولد شد و در خانواده‌ای از طبقه اشراف و البته لیبرال بالیدن گرفت، آشنایی عمیقی با سنت مسیحیت ارتدوکس و ساخت‌روانی روس‌ها داشت و این امر یعنی خصلت‌های متداوم، انباشتی و البته منحصر به فرد ذهنیت مسیحی ارتدوکس روس در کانون تبیین‌های اجتماعی او قرار داشت. توجه او به ذهنیت، همراه با نقطه عزیمت عمیقاً غیرسیاسی‌اش (در معنای سیاست روز) باعث می‌شد که دیدگاهی بنیادین و البته ذات‌گرایانه به ساخت‌روانی و تغییر و تبدلات آن داشته باشد. او که پس از بریدن از مارکسیسم و کنار نیامدن با حکومت تازه به روی کار آمدهٔ لنینیستی در سال ۱۹۲۲ (در واقع‌ای که شرح آن در مقاله‌ای پایین از نظرتان می‌گذرد) از شوروی اخراج شد، هیچگاه انقلاب‌های سیاسی و یا حتی گروه به مکتب یا دینی نوین مثلاً گروه روس‌ها به مارکسیسم را، تغییری اساسی در ذهنیت یک اجتماع نمی‌داند. عدم توجه اساسی به نظام سیاسی حاکم و گروه حاکمه در تحولات یک جامعه و در تعارض با این دیدگاه، توجه عمیق به تحولات بسیار بطبی و بلندمدت، آن هم در ذهنیت تودهٔ تشکیل‌دهندهٔ آن جامعه، همگی شاید اکسیری شفاف‌بخش برای دردِ روشنفکری بیمار و سیاست‌زدهٔ ما باشد. گروهی که راه حل همه چیز را در تغییر هیات حاکمه سیاسی و یا در عمیق‌ترین حالت، تغییر فرم حکومت و البته رسیدن به دموکراسی (با تعریفی از آن که مطلقاً ناظر به سطحی‌ترین لایه‌ی پدیداری آن است) آن هم از طریق اصلاحاتی که وجه غالبش انقلابی بودن است، می‌بیند. این ملاحظات، لزوم آشنایی با افکار این اندیشمند را برای جامعه‌ای چون جامعهٔ ما، بیش از پیش نشان می‌دهد. سیاههٔ آثار بردیایف و یا درباره او در کشورمان بسیار کوتاه است که در اینجا به معرفی کوتاهی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نیکلای بردیایف، منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: خورشید آفرین، چاپ اول ۱۳۸۳. (اثری بی‌نظیر با ترجمه استاد عنایت‌الله رضا که تبیینی درخشان و کاملاً

متفاوت از سرچشمه‌های کمونیسم روسی ارائه می‌دهد. فلسفه اجتماعی بردیایف در این اثر به نمایش به بهترین نحوی گذاشته می‌شود. (

۲. نیکلاس الکسانروویچ بردیایف، سید رضا وسمه گر در کتاب ماه فلسفه، سال پنجم شماره ۵۹، مرداد ۱۳۹۱.

۳. زندگی و آثار نیکلای بردیایف، آ. و گولیکا، رایزنی فرهنگی ج. ۱ ایران - مسکو. قابل دسترسی در: Cir.blogfa.com/page/44.

۴. نسبت دین و فلسفه از دید گاه بردیایف، قابل دسترسی در: Forum.persigold.com/threads/31992

۵. نیکلای بردیایف. قابل دسترسی در: Bashgah.net/fa/category/show/71014.

۶. نگرش فلسفی نیکلای بردیایف: معرفت‌شناسی، متافیزیک و فلسفه اخلاق، محسن جوادی و حمید بخشنده، در حکمت و فلسفه، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰.

مترجم

«اخراج نسلی از روشنفکران»

در یک روز آرام اوگوست هشتاد سال پیش (اکنون نود سال پیش)، نیکلای بردیایف، شاید مشهورترین فیلسوف روس، که اولین تابستان آرامش را از زمان انقلاب پنج سال پیش در خانه ویلایی‌اش در بارویخا^۲ می‌گذراند، خانه را ترک کرد. این مسافرت او، در پاسخ به احضاریه^۳ GPU، پلیس مخفی بلشویکی در آن زمان در مسکو صورت گرفت. بردیایف گمان می‌کرد او را برای ادای توضیحات راجع به مسافرت به چکسلواکی که بر اساس آزادی‌های جدیدی که سیاست جدید اقتصادی لنین یعنی NEP ممکن ساخته بود، احضار کرده‌اند. اما بردیایف به همراه تعداد زیادی فیلسوف، اقتصاددان، جامعه‌شناس، دانشمند، روزنامه‌نگار و دیگر روشنفکران دستگیر شده و در ۱۶ اوگوست ۱۹۲۲ به جرم «فعالیت علیه شوروی» از روسیه تبعید شد. او روز ۲۸ سپتامبر، بر عرشه قایق OberburgermeisterHacken - یکی از دو کشتی مشهور به «کشتی فیلسوفان» - پتروگراد را ترک کرد. حرکت این قایق هم واقعی بود و هم استعاره‌ای از اخراج طبقه نخبه روشنفکران ملت که به دنبال این حرکت مفهوم فعالیت روشنفکرانه و آزاد نیز رخت بریست.

بعد از فروکش کردن آشوب انقلاب اکتبر به نظر می‌رسید زندگی برای بردیایف آرام شده است؛ چرا که به عنوان استاد دانشگاه مسکو انتخاب شده و برای اولین بار صاحب یک خانه ویلایی برای تابستان شده بود. بردیایف در «رؤیا و واقعیت: زندگی خود نگاشت»^۴ که نخستین بار در سال ۱۹۴۹،

یک سال پس از درگذشتش در کلامار^۴ فرانسه، منتشر شد، می‌نویسد: «هنگامی که به من خبر دادند محکوم به تبعید شده‌ام، دماغ شدم. من نمی‌خواستم مهاجرت کنم. از حلقه‌های مهاجرین در غربت را دوری می‌جستم و نمی‌خواستم به آن‌ها آمیخته شوم. هر چند در عین حال احساس می‌کردم به جهانی آزادتر خواهم رفت و می‌توانم در هوایی آزادتر نفس بکشم.» پارادوکس این تبعیدها اینجاست که آنچه یک تراژدی برای این افراد و برای فلسفه روسیه بود در عین حال آن‌ها را از مرگ تقریباً حتمی در تصفیه‌های دهه ۱۹۳۰ نجات داد. یک تبیین محتمل برای انسان‌دوستی نامعمول بلشویک‌ها می‌تواند اشتیاق آن‌ها برای کسب شناسایی دیپلماتیک توسط قدرت‌های غربی باشد. یکی از آن مسافران، نیکلاس لاسکی^۵ در خاطراتش می‌نویسد: «شاید بلشویک‌ها در تلاش بودند تا نشان دهند که رژیم آن‌ها یک جباریت بربرگونه نیست.»

در آستانه سالگرد این حادثه [در سال ۲۰۰۲]، سرویس امنیتی فدرال (FSB) پرونده‌های دو نفر از مسافران کمتر شناخته شده کشتی فیلسوفان را از طبقه‌بندی خارج کرد. این دو نفر آلکس پشخانف^۶ رهبر حزب سوسیالیست‌های مردمی که اندک مدتی نیز به عنوان وزیر تأمین خوراک دولت موقت در سال ۱۹۱۷ خدمت کرده بود و ویکتور ایرتسکی^۷ ژورنالیست بودند. این خبر را ایزوستیا^۸ در ۱۶ آوگوست مخابره کرد. معاون ریاست FSB ولادیمیر شولتز^۹ فقط به اظهار این مسئله قناعت کرد که تبعید شدگان می‌باید از رهبران شوروی ممنون هم باشند. ایزوستیا از شولتز نقل قول می‌کند: «امروزه ما اعتقاد داریم که این عمل بدون شک عملی غیرانسانی و منافی حقوق بشر و حقوق مدنی است اما می‌باید آنچه را بعداً اتفاق افتاد، در ذهن داشته باشیم. بعدها مشخص شد علیرغم زندگی نه چندان آسان این روشنفکران در غربت، اما اخراج جمعی‌شان برای بسیاری از آن‌ها یک موهبت بوده‌است. به لطف این گذشت رهبران شوروی، این اساتید برجسته زنده ماندند و سهمی عظیم در رشد علم، تکنولوژی و هنر جهان ایفا کردند.»

اما این چنین اظهارنظری با نظرات مورخان و اعقاب آن روشنفکران سازگاری ندارد. نوه لاسکی در یک مصاحبه تلفنی از حومه پاریس اعلام داشت: «لطفاً به FSB بگویید که آن‌ها عمیقاً اشتباه می‌کنند.» نیکلاس و لاسکی استاد ممتاز دانشگاه پاریس که به تدریس در مؤسسه الهیات ارندوکس سنت سرژیوس نیز ادامه می‌دهد، گفت: «من از آن‌ها سپاسگزارم که فقط اخراج کردند و نکشتند و گرنه من پا به این دنیا نمی‌گذاشتم.» با این وجود، او اظهار داشت که نه پدر بزرگش و نه بردیایف و نه سرگی بولگاکف^{۱۰} دیگر عضو تبعید شده و یکی از مؤسسين مؤسسه الهیات پاریس^{۱۱} هیچگاه به اخراجشان همچون یک موهبت نمی‌نگریستند. او ادامه داد: «آن‌ها در اندیشه ترک روسیه نبودند نه به خاطر اینکه به حکومت شوروی معتقد بودند بلکه به این دلیل که آن‌ها وظیفه خود می‌دانستند تا

در سرنوشت مردمشان شریک باشند.» پیوند با روسیه برای این فیلسوفان اهمیت داشت چرا که بیشتر آن‌ها از مارکسیسم بریده و به مسیحیت رسیده بودند و علیرغم بسیاری اختلاف نظرها میان خودشان، در تلاش برای سازمان‌دادن به متافیزیکی روسی، متمایز و دارای ریشه در تاریخ و فرهنگ این کشور بودند. همه کسانی که در آگوست دستگیر شدند، اتهامی مشابه داشتند: «[نام شخص]... از زمان انقلاب اکتبر تا به حال نه فقط تلاشی برای انطباق با قدرت کارگران و دهقانان روسی انجام نداده بلکه حتی لحظه‌ای از فعالیت‌های ضد شوروی خود نیز دست نکشیده است.» اما در واقع هیچکدام از کسانی که تبعید شدند در اپوزیسیون سیاسی فعال نبودند. به جز چند استثناء همه آن‌ها می‌خواستند شهروندانی وفادار برای روسیه جدید باشند اما در عین حال به اظهار آرزوهایشان که با ایده‌آل‌های کمونیستی متفاوت بودند، ادامه می‌دادند.

پشخانوف در متن بازجویی‌اش می‌نویسد: «من اقتدار حکومت شوروی را تأیید می‌کنم اما آن را به عنوان ایده‌آلی که حاکمیت مردم را محقق سازد قبول ندارم.» بردیایف نیز می‌گفت که او از «یک جامعه مسیحی، بر پایه آزادی مسیحی، برادری مسیحی و مساوات مسیحی که البته به‌وسیله هیچ‌گونه حزبی نمی‌تواند محقق شود، حمایت می‌کنم یعنی من به طور برابر هم با جامعه بورژوا و هم با جامعه کمونیستی مخالفم». از گزیده‌های پرونده GPU راجع به بردیایف به طور گسترده در زندگینامه‌اش نوشته الکساندر وادیف^{۱۲} استفاده شده است.

این اخراج‌ها زمانی صورت گرفت که فعالیت روشنفکری به یمن برنامه NEP تازه در حال شکوفایی بود. این اتفاق همچنین در دوره‌ای رخ داد که کمونیست‌ها شروع به یکسان‌سازی ایدئولوژیکی و سرکوب هرگونه نشانه‌هایی از جامعه مدنی کرده بودند. سال پیش از آن، لنین کمیته کمک به مجارستان^{۱۳} که متشکل از چهره‌های دولتی و عمومی همچون ماکسیم گورکی^{۱۴} نویسنده و کنستانتین استانیسلاوسکی^{۱۵} کارگردان تئاتر می‌شد، را منحل کرد. بسیاری از اعضای این کمیته زندانی یا تبعید شدند. سال ۱۹۲۲ همچنین شاهد عملیات خونین مصادره اشیاء قیمتی کلیساها بود. لنین در یادداشتی که اکنون منتشر شده است می‌نویسد: «هر چه تعداد نمایندگان بورژوازی ارتجاعی و روحانیت ارتجاعی که ما می‌خواهیم در این طرح تیرباران کنیم، بیشتر باشند چه بهتر. اکنون ما باید به توده‌ها این درس را بدهیم که هیچ کس جرأت تصور مقاومت را برای دهه‌ها نخواهد داشت.» و واقعاً هم هیچکس جرأت نداشت. در ۱۹ می ۱۹۲۲، لنین به رییس GPU، فلیکس دزرژینسکی^{۱۶} خطی فرستاده و به او دستور داد تا روشنفکران ضد کمونیستی را تحت نظر بگیرد. او نوشت: «اطلاعاتی نظام‌مند راجع به زمینه، کار و فعالیت ادبی اساتید و نویسندگان جمع‌آوری کنید. همه این وظایف را به عهده یک فرد ساعی، باسواد و با دقت در GPU بگذارید.»^{۱۸} ژوئن پولیت بورو

دو کمیسیون انتخاب کرد: یکی برای تدوین لیست اساتید و دیگری برای تدوین لیست دانشجویان. در ۱۶ و ۱۷ آگوست بیشتر دستگیری‌ها در مسکو، پتروگراد، کیف و دیگر شهرهای عمده صورت گرفت. اما هنگامی که دولت از سفارت آلمان تقاضای ویزای جمعی کرد، آلمان سرباز زد. لاسکی در خاطراتش می‌نویسد: «صدراعظم ویرت»^{۱۷} پاسخ داد که آلمان، سیبری نیست و کسی نباید شهروندان روس را به آنجا تبعید کند. اما چنانچه دانشمندان و نویسندگان روس خود تقاضای ویزا کنند، آلمان با خوشحالی از آن‌ها استقبال خواهد کرد.» پس برخی روشنفکران آزاد شده و نمایندگانی برای نظارت بر فرآیند گرفتن ویزا، رزروکابین‌ها در کشتی و مذاکره با مقامات درباره تعداد کتاب‌ها و دست‌نوشته‌هایی که آن‌ها مجاز خواهند بود با خود ببرند، معین شد. لاسکی یکی از این نمایندگان بود. ایزوستیا گزارش داد که لیست‌های پولیت بورو منتشر نشده است و FSB از تعیین وقت برای خارج کردن دیگر پرونده‌ها از طبقه‌بندی طفره می‌رود. خاطرات درباره تعداد افرادی که اخراج شده بودند، اختلاف دارند.

سرگشی خوروژی،^{۱۸} فیلسوف مدرن، که کتابی راجع به فلسفه روس تألیف کرده، نتیجه می‌گیرد که حداقل ۷۷ روشنفکر به همراه خانواده‌هایشان تبعید شدند. از میان آن‌ها ۲۳ نفر اقتصاددان، عالمان زراعت و رهبران جنبش مشارکتی، ۱۳ نفر فیلسوف، جامعه‌شناس و حقوق‌دان، ۱۳ نفر دانشمند و متخصصان فنی، ۱۱ نفر روزنامه‌نگار و نویسنده، ۶ نفر تاریخدان، ۶ نفر فعال مذهبی و ۵ نفر پزشک بودند.

قایق موسوم به OberburgermeisterHecken، ۲۸ سپتامبر حرکت خود را آغاز کرد. کشتی دوم Pieussen، ۱۶ نوامبر حرکت کرد. چند روز بعد در همان ماه، تبعیدشدگان، آکادمی روسی فلسفه و دین را در برلین و در فوریه ۱۹۲۳ مؤسسه علوم روسی را افتتاح کردند. اما تعداد کمی از آن‌ها، خارج از محافل مهاجرین روسی شناخته شدند. یک استثناء برای این قاعده، پیتیریم سوروکین^{۱۹} بود که گروه جامعه‌شناسی هاروارد را بنیان نهاد. دیگران نیز به تدریس در دانشگاه‌های غربی پرداختند. خوروژی در کتاب «پس از دگرگونی»^{۲۰} می‌نویسد: «با این اخراج‌ها، فلسفه روسیه به پایان خود رسید» و در «مسیرهای فلسفه روس»^{۲۱} اظهار می‌دارد: «آن‌چه در آن زمان در کشور ما اتفاق افتاد در واقع خدمتی از دستگاه اقتدارگرا بود.» این اخراج‌ها همچنین نقطه‌ی عطفی در قدم برداشتن روسیه به سوی اقتدارگرایی بود چرا که با این عمل مشخص شد که دیگر، افراد وفادار از نظر سیاسی ولی از نظر فکری آزاد، که پایه‌ی جامعه‌ی مدنی را ایجاد می‌کنند، دیگر تحمل نخواهند شد

قابل دسترس در:

[Http://www.chebucto.ns.ca/philosophy/sui-generis/Berdyayev/essays/zolotov.htm](http://www.chebucto.ns.ca/philosophy/sui-generis/Berdyayev/essays/zolotov.htm)

پانویست‌ها:

- 1-Andrei zolotov Jr
- 2- Barvikha: روستایی در غرب مسکو
- 3-Dream and Reality: An assay in autobiography
- 4- clamart: دهکده‌ای در جنوب غربی پاریس
- 5- Nicholas D. Lossky: فیلسوف ایده‌آلیست و شخص‌گرای روس (۱۸۷۰-۱۹۶۵)
- 6-Alexei Peshekanov
- 7-Viktor Iretsky
- 8-Izvestia
- 9-Vladimir Shults
- 10-St.Sergius Orthodox Theological Institute
- 11-Sergei Bulgakov
- 12-Alexander Bulgakov
- 13-Pomgol
- 14-Maxim Gorky
- 15-Konstantin Stanislavsky
- 16-Felix Dzerzhinsky
- 17-Wirt
- 18-Sergei khoruzhy
- 18- Pitirim Sorokin: جامعه‌شناس روسی-آمریکایی (۱۸۸۹-۱۹۶۸)
- 20-After The Break
- 21-The Paths Of Russian Philosophy



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی